ظرافت‌های زیستن در عصر گوشی‌های هوشمند واکاوی شد

خدمت و خیانت فضای مجازی

گروه اجتماعی

همه ما بارها در طول روز به صفحه تلفن همراه خود خیره می‌شویم و یا هر زمان که در محیط کار حوصله‌مان سر می‌رود، ناخودآگاه دستمان به سمت تلفن همراه می‌رود. طبیعتا پذیرش زندگی مدرن بدون هزینه نیست. آسایش ولذتی که گوشی‌های هوشمند به همراه دارند، بهایی دارد؛ این ابزار کاربردی اکنون بخش جدایی‌ناپذیری از زندگی روزمره ماست. حتی اگر بخواهیم، نمی‌توانیم به طور کامل آن را کنار بگذاریم، چراکه کاربری تلفن همراه دیگر محدود به تماس تلفنی نیست و به معنای تام کلمه یک «همراه» تمام‌عیار است. از زاویه افتادن مناسبات مالی و بانکی و پرداخت قبوض گرفته تا فعالیت‌های گسترده اقتصادی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی. بنابراین تلاش برای کاهش استفاده از این شبکه‌ها و یا تلفن همراه، کار چندان ساده‌ای نیست. برای خیلی از ما، حضور مستمر در این شبکه‌ها ضروری و یا لااقل لذت‌بخش است. اما دائماً آنلاین بودن و هر چند دقیقه یکبار تمامی برنامه‌ها را «دوره کردن» می‌تواند بخش بزرگی از زندگی روزمره ما را مختل کند. بدون تردید زمانی که صرف شبکه‌های اجتماعی می‌شود فقط برای بازدید کردن نیست. معمولاً تمرکزما، پس از حضور در این شبکه‌ها و خروج از آن‌ها، تا چند دقیقه هم به دلیل یادآوری خاطرات و تداعی‌ها، مختل می‌شود.

این وضعیت در سراسر جهان مصداق دارد. آمارهایی که پیشتر در سایت عصر ایران منتشر شده، حاکی «از نفوذ ۷۶ درصدی استفاده از این وسیله هوشمند در جهان است؛ عددی نزدیک به ۶ میلیارد انسان در کره خاکی! این موضوع تنها به داشتن تلفن همراه هوشمند محدود نشده است و روزبه روز استفاده از این وسیله ارتباطی هم میان افراد افزایش پیدا می‌کند.» مبتنی بر شواهد آماری، بیش از ۳۰ درصد مردم ما بالغ بر ۶ ساعت در روز از گوشی‌های هوشمند خود استفاده می‌کنند. اما چه شد که در این نقطه قرار گرفتیم؟ همه چیز به سال ۲۰۱۰ برمی‌گردد. ۲۰۱۰، دقیقا سالی بود که تحول بزرگی در دنیای گجت‌های الکتریک و گوشی‌های دیجیتال پدید آمد. این حوزه به مرور به قدری پیچیده‌تر و پیشرفته‌تر شد که خیلی زود تبدیل به یک کامپیوتر جیبی همراه شد. در آن سال، اکثر برنامه‌ها و اپلیکیشن‌های سرشناس امروزی، متولد شدند. تحول عظیمی که این روزها آن را به نام گوشی‌های هوشمند می‌شناسیم، تنها یک دستگاه کوچک است که مفهوم انسان بودن را تغییر داد. دستگاهی که با توسعه، به مرور توانست نحوه مدیریت دنیا، روابط و حتی خود انسان را تغییر دهد.

موبایل، فرصت نگاه کردن به دوردست را از ما گرفته است

آرش محبی در قامت پژوهشگر علوم تربیتی که مدتی است میزان استفاده از تلفن همراه را به کمترین میزان ممکن در طول شبانه‌روز رسانده، در گفتگو با «ما» نکات جالبی را مطرح می‌کند. این پژوهشگر ابتدا اشاره می‌کند به اینکه فقط شب‌ها به مدت دو ساعت از تلفن همراه‌اش استفاده می‌کند. او دلایل متعددی برای این کار دارد. اولین دلیل‌اش، نگرانی درباره‌ی محیط زیست است. ساخت تلفن‌های همراه (ازجمله با استفاده از مواد خام)، انرژی‌ای که مصرف می‌کنند، وانرژی‌ای که صرف نقل‌وانتقال تماس‌ها و دسترسی به اینترنت می‌شود، همه مقدار قابل توجهی آلاینده‌های دی‌اکسید کربن تولید می‌کنند. این ایده که تلفن‌های همراه تنها چند سالی به درد می‌خورند کاملاً شناخته‌شده است، و همین باعث افزایش تعداد تلفن‌هایی می‌شود که کارشان به محل دفن زباله‌ها ختم‌شده، واین باعث نشت فلزات سنگین سمی، مانند مس و سرب، در خاک و آب‌های زیرزمینی می‌شود.

این پژوهشگر در ادامه به دیگر دلایل خود اشاره دارد. مطابق دیدگاه محبی مهم نیست که تکنولوژی صفحه‌نمایش چقدر پیشرفت کند و این پیشرفت، چقدر آسیب‌های احتمالی وارده به چشمان ما را کاهش دهد. چراکه موبایل‌ها، فرصت نگاه کردن به دوردست را از ما گرفته‌اند. اکثر پزشکان اگرچه تأکید می‌کنند که شواهد قطعی مبنی بر آسیب رسیدن به چشم در اثر مشاهده صفحه‌نمایش وجود ندارد، اما بهتر است معادل نصف زمانی که به صفحه‌نمایش نگاه می‌کنیم، به نقطه‌ای دوردست نگاه کنیم تا چشم فرصت استراحت داشته باشد. یکی از لذات دیدن دریا و دشت به‌صورت فیزیکی، امکان خیره شدن به نقطه‌ای دوردست در افق است. اما شبکه‌های اجتماعی آن‌ها را هم به تصاویری جذاب وشفاف با ۱۶ میلیون رنگ، اما در فاصله ۳۰ سانتی‌متری چشم ما تبدیل کرده‌اند. دیدن افق‌های دور وقتی بیشترین لذت را دارد که چشمان غیرمسلح به آن‌ها خیره شوند. اما این روزها، به محض دیدن غروب زیبای خورشید، موبایل بین چشمان ما و خورشید قرار می‌گیرد تا این تصویر زیبا را به دیگران نشان دهد. از طرفی گزارش‌هایی که در زمینه تأثیر موبایل برروی حافظه و تمرکز منتشر می‌شوند کم نیستند. ماجرا بسیار ساده است. حافظه با تمرین و به کار گرفته شدن تقویت می‌شود. انسان که زمانی اشعار بلند را حفظ می‌کرد و متن کتاب‌ها را به خاطر می‌سپرد، امروز نیازی به حفظ کردن شماره نزدیک‌ترین دوستانش هم ندارد. آیا تابه‌حال دقت کرده‌اید که وقتی مجبور می‌شوید یک نامه دستنویس کوتاه را بخوانید و تایپ کنید، چند بار باید نگاه خود را از کاغذ به صفحه نمایش و بالعکس حرکت دهید؟ در زمینه تمرکز هم بحث‌های مشابه زیاد است. موبایل جدا از اینکه تمرکز را به هم می‌زند، باعث می‌شود که یک کار ساده که ۱۵ دقیقه بیشتر وقت نمی‌گیرد، گاه دو تا سه برابر زمان بگیرد (و شاید هم به صورت کامل قطع شود).»

نوتیفیکیشن شبکه‌های اجتماعی حواس ما را از مطالعه پرت می‌کنند

محبی عنوان می‌کند: «باید بپذیریم که کتاب به شکل کاغذی آن، در حال انقراض است و دیر یا زود، در حد دکور کافی‌شاپ‌ها مورد استفاده قرار خواهد گرفت. تبلت‌ها و موبایل‌ها، وسیله جدید مطالعه‌ی ما هستند. اما وقتی هم زمان با خواندن کتاب، نوتیفیکیشن شبکه‌های اجتماعی مدام حواس ما را پرت می‌کنند، آیا می‌توان مطالعه اثربخش و آرامش‌بخش داشت؟ این در حالی است که خیلی‌ها در هنگام مطالعه، موبایل یا تبلت خود را روی حالت پرواز نمی‌گذارند. متأسفانه این ابزار ارتباطی، سبک زندگی ما را تغییر داده است. گاه در میانه اتوبان، خاطره تلخ یک پیام یا پیامک چنان آزارمان می‌دهد که سرعت را کم می‌کنیم و می‌کوشیم پاسخ بدهیم. گاهی ده‌ها بار موبایل خود را چک می‌کنیم تا ببینیم پیام یا پیامکی که قرار بود بیاید یا دوست داریم بیاید آمده است یا نه. گاهی نیز بارها و بارها، از خواب می‌پریم و مطمئن می‌شویم که موبایل در دسترس است. در این میانه، هم‌زمان با مشاهده یک فیلم در سینما، دقیقاً لحظه‌ای که باید غرق تجربه‌ی حسی خوب می‌شدیم، ویبره‌ی موبایل ما را از حال خوب آن لحظه جدا کرد. این در حالی است که قرار بود این ابزار ارتباطی زندگی در لحظه را به ما هدیه بدهد، در هر لحظه کنار دوستانمان باشیم. در هر لحظه با هرکسی خواستیم صحبت کنیم و هیچ لحظه و آنی را از دست ندهیم. اما موبایل‌های هوشمند، ما را گرفتار گذشته و آینده کرده است.»

برقراری ارتباط با کسانی که حضورندارند موجب از خودبیگانگی است

ولی به هرحال، دلیل تعیین‌کننده او در مورد پرهیز از داشتن تلفن همراه، تمایل برای عدم دسترسی مداوم و مستمر است. مطابق نظرگاه او لازم نیست فرد، در هر زمان و همیشه در دسترس دیگران باشد: «من نمی‌خواهم همیشه و همه جا امکان ارتباط برقرار کردن با هرکسی را که حضور ندارد، داشته باشم. تلفن‌های همراه استفاده‌کنندگان‌شان را همیشه آماده و همیشه در دسترس قرار می‌دهند، واین موضوع به همان اندازه که می‌توانند رهایی بخش و آرام‌بخش باشد، می‌تواند یک بارِ بیش از اندازه هم باشد. چنین باری به شکل تعهد به اشخاص و اتفاقاتی تجسم می‌یابد که عملاً در جای دیگری هستند. هرکسی که هنگام یک گفت‌وگوی رودررو تلفنش را چک می‌کند، متوجه این وسوسه هست. وهرکسی که با کسی هم‌صحبت شده که تلفنش را چک می‌کرده، می‌فهمد که اشکال کار کجاست!»

آرش معتقد است: برقرار کردن ارتباط افراطی با کسانی که حضورندارند موجب از خودبیگانگی است، و ذهن را وا می‌دارد که خود را از جسم جدا کند. برای مثال، ما شاهد این موضوع در مسئله‌ی شناخته‌شده و فراگیر خطرات پیامک زدن به هنگام رانندگی هستیم، ولی این چیزی است که حتی در تجربه‌هایی معمولی‌تر هم با آن مواجه می‌شویم: دوستان یا دیگرانی که به خاطر ارسال پیامک، حضورِ همدیگر را نادیده می‌گیرند.

تلفنِ همراه به شکلی سرزده به عرصه‌های عمومی و خصوصی وارد شده است، و از تعامل همه‌جانبه‌ی ما با دنیای اطرافمان جلوگیری می‌کند. گوشی‌های هوشمند فقط توانایی اعقابشان را برای این‌گونه ورود سرزده به حد کمال می‌رسانند. همین تأثیراتِ تلفن‌های همراه، یعنی جدا کردن ما از وضعیت فیزیکی خود و مداخله‌ی سرزده، پیامدهای قابل توجهی برای روابط ما با خودمان و دیگران دارند. آشنایی و شناخت واقعی دیگران به صبر، خطر کردن، همدلی کردن، و مهربانی نیاز دارد، و تلفن‌های همراه همه‌ی این‌ها را از بین می‌برند.

> **علی‌اکبر صادقی، کارشناس علوم اجتماعی: تلفن‌های همراه خلوت، خودنگری و اندیشناکی را منع می‌کنند، چیزهایی که برای یک زندگیِ سالم ضروری‌اند**
>
> **آرش محبی، پژوهشگر علوم تربیتی: می‌توان از ابزارهای هوشمند به شیوه بهتری استفاده کرد و در هر روز یک یا دو ساعت با موبایل خاموش یا ساکت گذراند**

تلفن‌های همراه؛ خلوت، خودنگری، و اندیشناکی را منع می‌کنند

تلفن‌های همراه همچنین خلوت، خودنگری، و اندیشناکی را (که پیش‌ازاین انتظار و ملال خوانده می‌شد) منع می‌کنند، چیزهایی که به نظر علی‌اکبر صادقی، کارشناس علوم اجتماعی برای یک زندگیِ سالم ضروری‌اند. خیلی قبل‌تر از اختراع تلفن‌های همراه، افراد بشر در این‌که خودشان را زتوجه منظم منحرف کنند، مهارت داشتند. بلزپاسکال فیلسوف فرانسوی قرن‌قرن هفدهم می‌نویسد: «تنها دلیل شاد نبودن آدمی این است که نمی‌داند چطور ساکت در اتاقش بماند.» این تمایل به حواس‌پرتی به طور قابل‌توجهی در پژوهش‌ها تأیید شده است؛ در نتایج این پژوهش‌ها، افراد شرکت‌کننده تحمل شوک الکتریکی را به این ترجیح دادند که خودشان را پانزده دقیقه با افکارشان مشغول کنند! این درحالی است که علی‌اکبر صادقی تأکید می‌کند: والاترین شرافتِ انسانی تفکر است، و نظام اندیشه با خود فرد، آفریننده او، و مقصود او شکل می‌گیرد. این کارشناس علوم اجتماعی این گونه اندیشیدن را حامل پیوندی جداناشدنی با آرامش و شادی می‌داند. براین اساس آرش محبی نیزمی گوید: کاهش استفاده از تلفن همراه، به من امکان برخوردار شدن از فضایی برای تفکر می‌دهد. پس امکانی است برای روشنی غنی‌تر و خشنودکننده‌تر در زندگی. با وظایفی کمتر برای به‌جاآوردن و ترجیحاتی کمتر برای برآورده ساختن. زندگی ضربا هنگی کندتر می‌یابد، که با تعمق و قدرشناسی سازگار است. زندگی با کاهش استفاده از تلفن همراه نه فقط به آزادسازی ذهن، که به آزادسازی جسم ما هم کمک می‌کند.

محبی با اشاره به دیدگاه آناکساگوراس، فیلسوف یونان باستان می‌گوید: این فیلسوف، براین باور است که «به خاطر داشتن دست است که آدمی باهوش‌ترینِ جانوران شده است.» می‌توانیم کاملاً مطمئن باشیم که آناکساگوراس ظهور گوشی‌های هوشمند را پیش‌بینی نمی‌کرد. از سوی دیگر، کاهش استفاده از تلفن‌های همراه این امکان را به فرد می‌دهد که از دست‌هایش برای فعالیت‌هایی پرمعنی استفاده کند؛ نواختن پیانو، باغبانی، کتاب خواندن)، به نحوی که به طور کامل در آن فعالیت‌ها غرق شود، تا آن‌ها به بالاترین معنای خودشان دست یابند.

بدون تلفن همراه، تمرکز بر آن چه مقابل من است آسان‌تر است: همسرم و فرزندانم، کارم، پختن شام، بیرون رفتن برای قدم زدن. سعی می‌کنم فعالیت‌هایم را با فکر انتخاب کنم؛ پس وقتی کاری می‌کنم، نمی‌خواهم جای دیگری باشم – به چیزی که استفاده‌کنندگان از تلفن همراه «چندکارگی» می‌نامند هیچ علاقه‌ای ندارم و مجذوب آن نمی‌شوم.

البته که می‌شود از تلفن‌های همراه به‌صورت مسئولانه استفاده کرد. می‌شود آن را خاموش کرد، یا به پیغام‌هایی که می‌رسد اعتنا نکرد. ولی این کار به اراده‌ای بسیار قوی نیاز دارد. بر اساس یک تحقیق جدید که از سوی مؤسسه «پیو» انجام شده، ۸۲ درصد افراد عقیده دارند که استفاده از تلفن‌های همراه در موقعیت‌های اجتماعی، بیش از آن که به گفت‌وگو کمک کند به آن آسیب می‌زند، درحالی که ۸۹ درصد از دارندگان این تلفن‌ها همچنان در چنین موقعیت‌هایی از آن‌ها استفاده می‌کنند. پرهیز از استفاده مستمر از تلفن همراه تضمین می‌کند که من، وقتی که لازم نیست، از آن استفاده نمی‌کنم.

می‌توان از ابزارهای هوشمند به شیوه بهتری استفاده کرد

محبی می‌گوید: «بعضی‌ها اصرار دارند که اگر من از تلفن همراه پرهیز می‌کنم، باید از تلفن معمولی هم بپرهیزم. درست است که استفاده از تلفن ثابت هم همان اثرات از خود دورکننده و واسطه‌ساز تلفن‌های همراه را دارد، ولی همیشه محدودیت‌های طبیعی و فیزیکی‌ای در مورد استفاده از تلفن‌های «ثابت» وجود دارد، که حتی در عنوانِ این نوع تلفن‌ها مستتر است. امکان جابه‌جایی که در تلفن‌های همراه وجود دارد، با اتکا به فراگیر کردن اثرات از خود بیگانه کننده‌اش، نوع کاملاً جدیدی از ارتباطات را به وجود می‌آورد و عرضه می‌کند. من می‌خواهم از باقی‌مانده تجارب مستقیم و بی‌واسطه‌ام محافظت کنم. معنای اصلی «وصل شدن» بریک رابطه فیزیکی دلالت دارد – بستگی و پیوستگی به یکدیگر. حالا ما این تعبیر را تنها به شکل استعاری در مورد ارتباطات‌مان با تلفن همراه به کار می‌بریم. حالا «وصل شدن‌ها» فرازمینی‌اند؛ کلمه‌ها و فکرهای ما به سطوح بالای فضا و به نزدیکی برج مخابراتی می‌رسند و همان جا می‌مانند، درحالی که دستگاه‌های تلفن‌مان ما را از کسانی که در یک فضا با آن‌ها سر می‌کنیم «منفصل» می‌کنند. باآنکه ما دو دست داریم، من فکر می‌کنم که شما نمی‌توانید هم‌زمان با یکدست تلفن همراه‌تان و با آن یکی، دستِ دیگری را در دست بگیرید.»

این پژوهشگر علوم تربیتی خاطرنشان می‌کند که «نمی‌توان و نباید به گذشته بازگشت. گذشته مرده و آینده با نظر موافق یا مخالف ما می‌آید و آن‌ها را که گرفتار گذشته مانده‌اند، می‌شوید و می‌برد. اما می‌توان از ابزارهای هوشمند به شیوه بهتری استفاده کرد. می‌توان در هرروز یک یا دو ساعت را با موبایل خاموش یا ساکت گذراند. می‌توانیم گاهی عکس‌هایی بگیریم و به‌جای قراردادن در اینستاگرام برای صدها نفر و شمردن لایک‌ها، فقط برای یکی از دوستان خود بفرستیم و زیرش بنویسیم: «به یادت هستم.» بنابراین می‌توانیم با ابزارهای جدید، شادتر از گذشته زندگی کنیم. اگر بپذیریم که برای این کار، تصمیم، اراده، آگاهی و ترک عادات نادرست لازم است.»

دانش بومی عشایر در حفاظت از محیط‌زیست

عشایر برخلاف باور عامهٔ مردم و حتی صاحب نظران در حوزهٔ منابع طبیعی و محیط زیست، نقش به‌سزایی در صیانت از عرصه‌های طبیعی و زیست‌بوم دارند. اگر دانش بومی آنان را پذیریم و بدان احترام بگذاریم قطعاً در حفظ عرصه‌های طبیعی موفق‌تر خواهیم بود. ازآنجایی که زندگی عشایر وابستگی مستقیم با زیست بوم دارد، بنابراین در حفظ آن نیز کوشا بوده و حداکثر توان خود را برای نگهداری مطلوب از عرصه‌های طبیعی به کار خواهند گرفت.

از عمده اقدامات عشایر مناطق تالش در حفاظت از منابع طبیعی به مدیریت صحیح برداشت علوفه از مراتع و مدیریت چرای دام در مراتع و عرصه‌های جنگلی، مدیریت برداشت آب از چشمه‌ها، کشت‌وکار در باغات و کشتزارها، مدیریت فصل کوچ عشایر و نحوهٔ ساخت مساکن روستایی و عشایری موقت، همکاری در اجرای طرح‌های آبخیزداری و آبیش‌بندی خاک، مدیریت مراتع مُشاعی، تأمین علوفهٔ مورد نیاز دام‌ها، جلوگیری از تخریب خاک و... می‌توان اشاره کرد. نگارنده این مقاله «با مطالعهٔ موردی دانش بومی عشایر تالشی، برخی از یاورداشت‌های آنان را به رشتهٔ تحریر درآورده که در ادامه به اختصار به آن پرداخته خواهد شد.»(۱)

دانش بومی فصل کوچ

کوچ بهارهٔ عشایر از علفچر زمستانه به سمت ییلاقات میان‌بند- عشایر با آغاز فصل بهار و از نیمه‌های فروردین با ترک علفچر (سکونتگاه زمستانهٔ دام‌ها) طی دو الی سه روز به سمت ییلاقات خود انجام می‌شود. بدین صورت که سکونتگاه خود را ترک کرده و با حرکت از مسیرهای ایل‌راهی و روخان به ییلاقات ارتفاع میانی با متوسط ارتفاع ۸۰۰ متر، کوچ نموده و به مدت دو ماه یعنی تا نیمهٔ خرداد در ییلاق ماندگار خواهند بود و در این مدت از علوفه ذخیره شده در انبارها برای تغلیف دام سنگین و علوفه‌های تازه روئیده در دشت‌ها برای تغلیف دام سبک بهره می‌برند. یکی از اقدامات عشایر در بهره‌برداری از چمنزارهای دشت‌ها، هدایت گلهٔ دام‌ها در هر روز به یک چمن‌زار بوده و در صورت پهناور بودن دشت، تنها بخشی از دشت را به مدت چند ساعت در روز مورد چرای دام خود قرار می‌دهند و در روزهای آتی مسیری دیگر را انتخاب می‌کنند تا چمنزار فرصت کافی برای بازسازی ذخیرهٔ علوفه‌ای را داشته باشد.

کوچ بهارهٔ عشایر از ییلاقات میان بند به سمت مراتع پایین دست است. این فصل کوچ از نیمهٔ خرداد آغاز شده و عشایر طی چند روز و به صورت یک جا و با احتساب حق تقدم سکونتگاهی و طبق برنامهٔ زمان‌بندی اعلام‌شده از طرف معتمدان ایل، حرکت می‌کنند و تا ارتفاع ۲۰۰۰ متری پیش می‌روند و در دامنهٔ مراتع سکونتگاه موقت خود را برپا می‌کنند. عشایر تالش به مدت سه هفته و بعضاً یک ماه در دامنهٔ مراتع مُشاعی خود مشغول گله‌داری و تغلیف دام خواهند بود و هم‌زمان در این مدت از طریق دشتبان‌های ایلاتی خود، از وضعیت مراتع و بذردهی علوفه مطلع می‌شوند.

کوچ تابستانه با مراتع بالادست – عشایر مناطق تالش، قبل از کوچ تابستانهٔ خود در هفتهٔ اول تیرماه ابتدا علوفهٔ پیرامون سکونت‌گاه‌های خود را به وسیلهٔ ادوات سنّتی نظیر داس، برداشت کرده و پس از خشک کردن، دسته‌بندی کرده و در انبارهای موقت ذخیره‌سازی می‌نمایند. سپس عشایر از نیمه‌های تیرماه، با در نظر گرفتن حقّ تقدم، یکی پس از دیگری، دام‌های خود را به مراتع بالادستی هدایت و خود در سکونتگاه‌های موقت مراتع، مستقر شده و گوسفندسرایی که عموماً از سنگ‌چین تشکیل شده را ترمیم کرده و در ساعات ظهر گله را در آن جا نگهداری می‌کنند. عشایر پس از کوچ به سمت مراتع بالادست تا نیمه‌های شهریورماه، دیگر به سمت دامنه‌های مراتع بازنمی‌گردند تا در این مدت، علفزارهای دامنهٔ مرتع، مجدداً سبز شوند و از آسیب به مرتع پیشگیری شود. عدم چرای دام در ساعات میانی ظهر تا عصر گاه در مراتع، توسط عشایر به خوبی رعایت می‌شود چراکه علوفهٔ موجود در مراتع در این ساعات به دلیل گرمای محیطی زیاد، رطوبت خود را از دست داده و در صورت چرای دام، احتمال ریشه‌کنی علوفه و جابجایی خاک براثر تردد دام‌ها و عوامل جوی وجود دارد که نتیجهٔ آن چیزی جز خالی شدن مرتع از پوشش گیاهی نخواهد بود.

کوچ نیمهٔ مرداد ماه دام‌های سنگین از مراتع بالادستی به سمت ییلاقات میان‌بند- در نیمهٔ تابستان، با کم شدن علوفه در مراتع، عشایر دام‌های سنگین نظیر گاو، گاومیش و اسب را از مرتع خارج کرده و به سمت مناطق ییلاقی میان‌بند حرکت می‌دهند تا چرای دام‌های سنگین و حتی تردد آن‌ها در مراتع موجب تخریب مرتع و خاک نشود. دام‌های سنگین در این فصل، با برگ سرشاخه‌های درختان ممرز و بلوط تغلیف می‌شوند و در پاره‌ای از روز هم در دشت‌های ییلاقی، مشغول به چرا می‌شوند.

کوچ عشایر از مراتع بالادستی به سمت دامنه‌های مراتع در نیمهٔ شهریور- پس از بارش باران‌های فصلی تابستان و با خنک شدن هوا، عشایر تالش گلهٔ دام‌های خود را به دامنهٔ مراتع کوچ داده و مراتع بالادستی و گدوک را ترک می‌نمایند تا مجالی برای رشد پاییزهٔ علوفه فراهم شود، در این موقع در مسیرهایی که دچار آسیب و فرسایش شده باشند، اقداماتی مانند ایجاد پرچین‌های کوتاه‌قامت و یا سنگ‌چین جهت جلوگیری از رانش خاک انجام می‌دهند. همچنین با کوددهی بخش‌های آسیب‌دیده، سعی می‌کنند تا چمن قابل توجهی در آن بخش‌ها سبز شود تا در برابر فرسایش خاک در فصل پاییز مقاوت کند. همچنین در این موسم، مردان عشایر در سکونتگاه‌های پاییزه و زمستانه برگ درختان بلوط و ممرز را جهت استفادهٔ دام‌های سنگین در فصل زمستان ذخیره‌سازی می‌کنند. علاوه بر آن، در شهریور عشایر برگ بوته‌های کرف را به صورت دسته‌های کوچک برداشت و ذخیره می‌کنند تا در فصل زمستان به مصرف گلهٔ گوسفندان برسد.

کوچ پاییزه از مراتع به سمت ییلاقات میان‌بند- از اواخر شهریور تا نیمه‌های مهرماه تمامی عشایر مراتع و دامنهٔ مراتع راترک گفته و به سمت سکونتگاه پاییزهٔ خود بازمی‌گردند و تا اواسط آبان ماه در آنجا باقی خواهند ماند.

کوچ به سمت علف‌چرا پاییزه- علف‌چرا پاییزه بخش‌های جنوبی و غربی جنگل‌های میان‌بند را شامل می‌شود که دارای علوفهٔ مطلوب جهت تعلیف دام بوده و عشایر از نیمهٔ آبان تا اواسط آذر را در آنجا سپری کرده و سپس با نزدیک شدن به فصل زادآوری گوسفندان، به سمت سکونتگاه زمستانه کوچ خواهند نمود.

کوچ به سکونتگاه زمستانه- در اواسط آذرماه عشایر دام‌های خود را از جنگل‌های مناطق علف‌چری پاییزه خارج نموده و به کوهپایه‌ها و دامنه‌های نزدیک کوهپایه و جلگه کوچ می‌کند. در این سکونتگاه دام‌ها با علوفه‌های کف جنگل تغلیف می‌شوند و با شروع فصل زادآوری گوسفندان و فرا رسیدن زمستان، با داروا‌ش و دارودست تغلیف می‌شوند و در روزهای برفی با گیاه خاس و در برخی مواقع با کوئند (غلاف جوانه برگ درختان) و نیز کاه تغلیف می‌شوند. عشایر از اواسط آذرماه تا نیمهٔ فروردین در سکونتگاه زمستانه حضور دارند.

دانش بومی ساخت مساکن عشایری سازگار با محیط‌زیست

– ساخت سرپناه موقت (اَوالَه): در موسم کوچ، عشایر در ایل‌راه‌ها و روخان‌ها با سرشاخه‌های درختان که برای شب‌مانی‌های کوتاه‌مدت چندروزه در مسیر کوچ کاربرد داشته سکونت دارند و آثار تخریبی از آن برجای نمی‌ماند. معمولاً پس از چند ماه سرشاخه‌های تشکیل دهندهٔ اسکلت اوالَه خشک شده و برروی زمین خواهند افتاد.

–ساخت مسکن عشایری در سکونت‌گاه علف‌چر: عشایر تالش در علفچرهای پاییزه و زمستانه با بهره‌گیری از سرشاخه‌های درختان راش، بلوط و ممرز، در سطحی هموار یا در رأس یال فرعی کوهستان اقدام به ساخت سرپناه برای سکونت خانوادهٔ خود می‌کند. به این مساکن ابتدایی، در اصطلاح «پارو» یا «پارگا» می‌گویند که به صورت یک تونل به ارتفاع حداکثر دو متر، و طول حداکثر ۶ متر می‌نمایند و سقف آن را با شاخ و برگ درختان پوشانده و سپس روی آن را با سیاه‌چادر و پلاستیک می‌پوشانند و در کف آن نمد یا موکت پهن کرده و برای مدت حضور در علف‌چر، آنجا سکنی می‌گزینند.

–ساخت سرپناه برای گله دام‌ها: عشایر منطقهٔ تالش در نزدیک سکونتگاه خود و با فاصلهٔ اندکی از «پارگا»ی خود، اقدام به ساخت «پارگا» جهت استقرار دام‌ها می‌نمایند که در سطحی شیب‌دار با همان معماری ساخت «پارگا»ی مسکونی خود می‌کند. سپس سقف آن را با پلاستیک و سیاه‌چادر می‌پوشانند.

–ساخت «گاج پارو»: گاج پارو به صورت یک تونل در امتداد پاروی مسکونی در سطح شیب‌دار بنا می‌شود و بخش میانی جداکننده این دو فضا به صورت دیواره‌ای چوبی سه قد که ارتفاع آن دو سوم ارتفاع پارو بوده که موجب حرکت گرمای بخش مسکونی به بخش نگهداری دام می‌شود و عموماً در آنجا بره‌ها نگهداری می‌شوند.

– ساخت خانه با مصالح بوم‌آورد: نظیر سنگ و کاه‌گل یا با معماری ذگالی (چوب و کاه‌گل) در مناطق ییلاقی که معمولاً در سطح شیب‌دار بوده و بخش شیب‌دار برای نگهداری دام کاربرد داشته و سقف آن را با پوشش لت (تخته‌های کوچک چوبی) می‌پوشانند.

– ساخت پارگا در مناطق مرتعی: عشایر در مراتع برای سکونت خانوادهٔ خود، در مراتع از معماری اتاقک‌های چوبی و کلبه‌های چوبی بهره می‌گیرند و سقف آن را با چوب و سیاه‌چادر می‌پوشانند ولی از ورق‌های حلبی یا گالوانیزه به لحاظ انعکاس نور و ایجاد صدا در مواقع بارانی، استفاده نمی‌کنند.

تأمین علوفهٔ مورد نیاز دام‌ها

– ذخیره‌سازی پوشال گندم زارها برای مصرف گلهٔ گوسفندان در زمستان.

– برداشت و ذخیره‌سازی علوفهٔ تولیدی در مراتع بهاری.

–ذخیره‌سازی کاه و ساقه شالی برنج در انبارهای علوفه جهت تعلیف دام سنگین در زمستان.

– ذخیره‌سازی انواع میوه‌های جنگلی نظیر سیب و گلابی جنگلی.

–ذخیره‌سازی دانه‌های بلوط جهت تعلیف زمستانهٔ دام.

– برداشت برگ درختان بلوط و ممرز و ذخیره‌سازی آن‌ها جهت تعلیف دام سنگین.

– ذخیره‌سازی کرف جهت مصرف دام سبک در زمستان.

–تأمین علوفه برای دام‌های سنگین و گوسفندان از بوتهٔ گیاه خاس در صورت تداوم بارش برف سنگین.

–تأمین علوفهٔ مورد نیاز بره‌ها از گیاهان انگلی درختان نظیر برگ سبزدار دوست و داروا‌ش.

– تأمین علوفه برای بره‌ها از برگ گیاه جل در صورت نیاز و تداوم بارش برف.

باورداشت‌های بومی در راستای حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست

– انتخاب دشت‌بان در فصل رویش بهار و مراقبت دشت‌بان از مراتع جهت پیشگیری از برداشت احتمالی علوفه و ورود خارج از فصل دام‌ها به مراتع.

– اعمال قانون ممنوعیت چرای دام از مهر تا نیمهٔ خرداد در مراتع.

– عدم برداشت علوفه مراتع در فصل بهار و پاییز.

– عدم برداشت علوفه از مراتع بوسیلهٔ دستگاه‌های علف‌تراش به لحاظ ایجاد سروصدای ناهنجار در فصل زادآوری پرندگان و احتمال کف‌تراشی و ریشه‌کنی علوفه.

–عدم ایجاد سروصدا در هنگام چرای دام در عرصه‌های جنگلی در فصل بهار و پاییز.

– عدم انتخاب مسیر تردد گله در کریدورهای حرکتی جانوران حیات‌وحش به جهت پیشگیری از رویارویی با جانوران وحشی.

–عدم حرکت و تردد گله در مسیر حرکتی مارال‌ها و شوکاها به لحاظ عدم مواجههٔ سگان گله با این جانوران و ایجاد خطر توسط سگان گله برای آنان.

– عدم ایجاد آثار تراورسی متعدد در شیب‌های فرسایشی.

–عدم تردد عمودی گلهٔ گوسفندان از مسیرهای لغزشی در فصل بارندگی.

– برداشت برگ درختان بدون قطع تاج درخت که معمولاً چندین شاخهٔ اصلی را در کنار سرشاخه اصلی محافظت می‌کنند.

– عدم افروختن آتش در مراتع و زیر بوته‌های گیاهان مرتعی نظیر گون و ...

–عدم استفاده از ورق‌های گالوانیزه و براق در پوشش سقف مساکن عشایری به جهت پیشگیری از انعکاس نور خورشید در روز که موجب کوری موقت پرندگان دشتی و نیز تمرکز نور انعکاسی روی سطح مرتع و بروز حریق می‌شود.

– تلاش جهت عدم مواجهه با حیوانات وحشی نظیر خرس، گرگ، روباه و حتی پرندگان شکاری و عدم شکار آن‌ها.

– دور ساختن حیوانات وحشی با استفاده از عوامل طبیعی در گوسفندسراها و مناطق سکونت گاهی، نظیر ساخت نمادهای سنگی مرتفع و هم قد انسان بالغ جهت ترساندن حیوانات.

– عدم دورریز پسماندهای غذایی و ... در مناطق مختلف که موجب نزدیکی حیوانات وحشی به سکونتگاه عشایری شود.

– نزدیک نشدن به آشیانهٔ پرندگان دشتی در فصل زادآوری و احترام قائل شدن اسطوره‌وار برای پرندگان دشتی آوازخوان.

–تأمین هیزم مورد نیاز اجاق و بخاری مساکن از سرشاخهٔ درختان ریشه‌کن شده در مناطق جنگلی.

–تأمین چوب مورد نیاز برای افروختن تنور از سرشاخه‌های برداشت شده برای تغلیف دام‌ها.

–بذرپاشی و کوددهی مراتع هنگام کوچ پاییزه از مرتع به ییلاق و عدم برداشت علوفه در پاییز جهت حفظ پوشش مطلوب خاک پیش از فرارسیدن فصل سرما.

– نصب آبشخورهای مخصوص بر روی چشمه‌های مراتع و حرکت دادن دام‌ها در فواصل زمانی مناسب به سمت آبشخور به گونه‌ای که جریان آب چشمه در آبشخور کم نشود.

– مدیریت تعداد دام در فصل خشک‌سالی و کم کردن تعداد دام به جهت مدیریت منابع علوفه‌ای چراگاه‌ها و مراتع.

– عدم تجاوز به حریم مراتع مُشاعی عشایر همجوار.

–عدم جابه‌جایی بین حوزه‌ای آب چشمه‌ها در مراتع و دره‌های منتهی به حوزه‌های مختلف.

– عدم ریشه‌کنی و برداشت تجاری گیاهان دارویی و پرکاربرد مورد نیاز صنایع داروسازی یا عطاری‌ها

پی‌نوشت:

۱- مجله صنوبر- سعید شفقتی چروده

میزخبر

تغییر الگوی آتش‌سوزی‌های جنگلی

معاون آموزش و مشارکت‌های مردمی سازمان حفاظت محیط زیست گفت که در سال‌های اخیر الگوی وقوع آتش سوزی‌های جنگلی تغییر کرده است.

به گزارش ایسنا هادی کیادلیری در نشست خبری که صبح روز گذشته در سازمان حفاظت محیط زیست برگزار شد، در خصوص وضعیت آتش سوزی‌ها و تغییرات آن در سال‌های اخیر به تغییرات الگوهای زمانی و مکانی آتش سوزی‌ها اشاره کرد و گفت: آنچه امروز شرایط را از گذشته متمایز کرده است، تغییر در الگوهای زمانی و مکانی آتش سوزی‌هاست. این تغییرات به‌وضوح نشان می‌دهد که شدت آتش‌ها از حالت طبیعی خود خارج شده است.

وی افزود: در ۱۰ سال گذشته